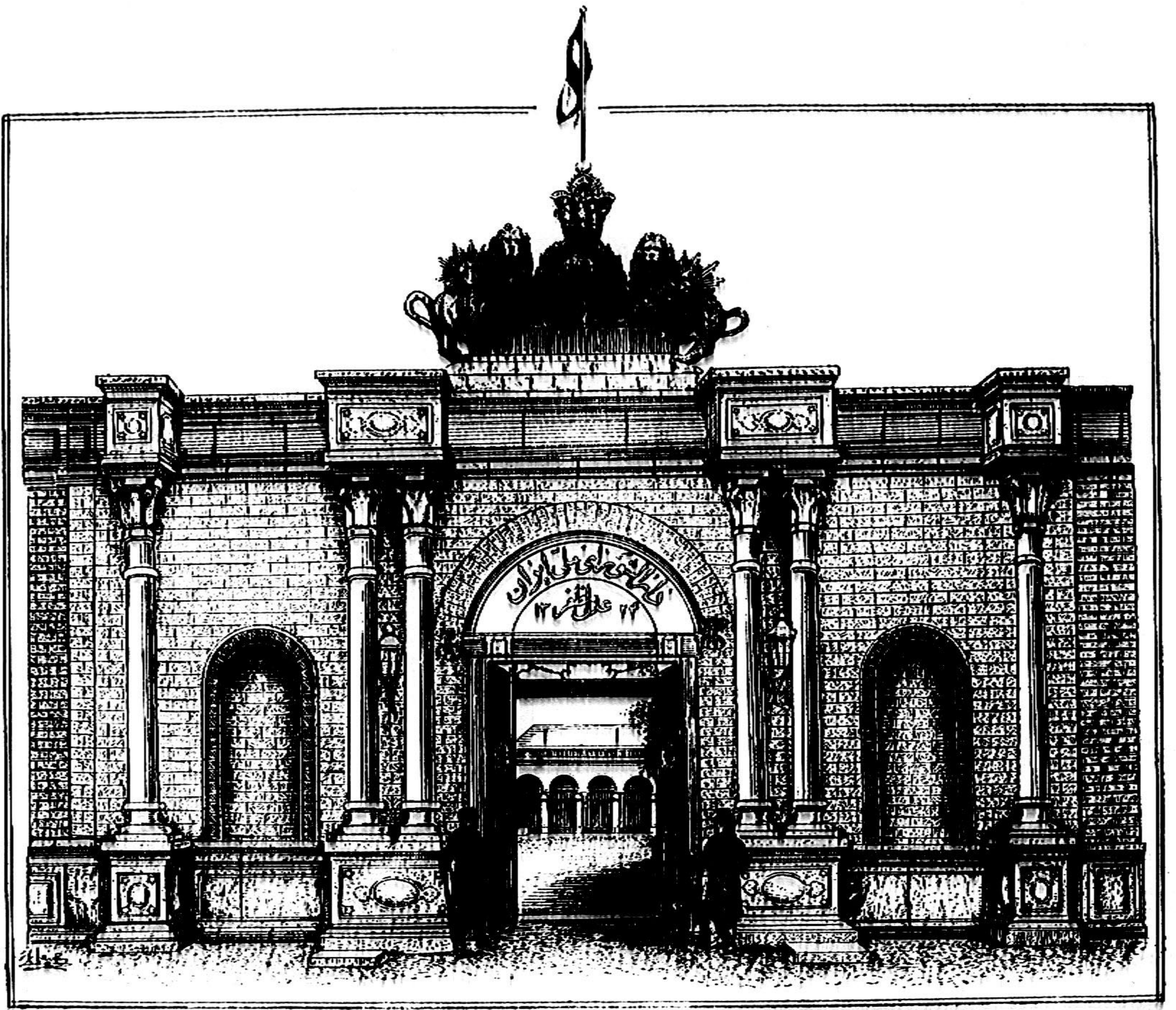


<p>جلسه ۱۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجاه و پنجم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایزان سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تلک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره در اطراف پیشنهاد آفای کازرونی و آقا سید یعقوب راجع بانتخابات سیرجان	۱۰۶۶	۱۰۷۴
۲	مذاکره نسبت بنخبه کمیسیون بودجه راجع باعتبار سنه ۱۳۰۶ راه آهن	۱۰۷۴	۱۰۸۷



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۹ فروردین، ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۱۹

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقابان : میرزا حسین خان موقر - دشتی - سید ابراهیم
 ضیاء - حشمتی - محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی - میرزا
 ابراهیمخان قوام - عباس میرزا - نوبخت - طباطبائی و کبلی

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست)
 آقای پیرنیا تشکیل گردید
 (صورت مجلس یکشنبه بیست و هفتم فروردین
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه

آقایان: علی خان اعظمی - محمد تقیخان اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه: آقایان: سید جواد محقق -

روحی - میرزا محمد تقی بهار

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - آقا سید کاظم بزدی - حق نویس

رئیس - صورت مجلس معارضی دارد یا نه؟ آقای حق نویس

حق نویس - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده سر موقع آمدم

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود و بعد اصلاح میشود. دیگر ایرادی ندارد

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - مطالبی که جزء دستور است اولاً انتخابات سیرجان است. پیشنهادی رسیده است قرائت میشود و مذاکراتی که باید بشود میشود بعد رأی میگیریم.
(پیشنهاد مذکور شرح ذیل خوانده شد)

نظر باینکه شعبه ششم برخلاف نظریه انجمن نظار سیرجان راجع به انتخابات آن نقطه راپورتنی تهیه کرده و مجلس شورای ملی آن راپورت را رد نموده و با نتیجه نظریه انجمن نظار تأیید شده است لهذا امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که به نمایندگی آقای بدر رأی گرفته شود. یعقوب الموسوی. کازرونی
رئیس - مذاکرات در زمینه این پیشنهاد است.

آقای حائری زاده

آقا سید یعقوب - در پیشنهاد نباید توضیح داده شود؟

جای او بیاید به مجلس. حالا ما میخواهیم وارد شویم به صورت این انتخابات. کاظمی و بدر در آنجا کاندیدا بوده اند آقای کاظمی بر میدارد در کتابچه خودش مینویسد به دوسیه ها نگاه کنید که در قزوین محبوس بوده ام يك مشت رأی در کرمان داشته ام يك عده پارتی داشته ام و به من رأی داده اند حالا در اقلیت بوده ام ولی در دوسیه انتخابات کرمان در این چند دوره نگاه کنید به بینید آقای بدر يك رأی هم در حوزه های انتخابیه کرمان نداشته است وقتی که ایشان وزیر شده اند از مقام وزارت استفاده وکالتی کرده اند. اثر اخلاقاً، انصافاً ما اجازه بدهیم که از کرسی های مهم مملکتی آقایان استفاده کنند و حقوق رعیت را زیر پا بگذارند منتهای بی انصافی را کرده ایم. این از نقطه نظر اصول. اما از نقطه نظر عمل. تا بحال که در مجلس منحصر به يك اعتبار نامه نبوده هر دوره صد و بیست صد و سی اعتبار نامه مطرح شده و در هر دوره هم چند اعتبار نامه رد شده است نمایندگی آن اشخاصی که رد شده است کدام یکی از آنها دومین آمده گفته که بنده هم هستم در باره من هم رأی بگیری؟ غیر از این دوسیه کمیونی که همه می دانیم در تحت عنوان وزارت خواسته اند مقام وکالت را به حقه بازی اشغال کنند و نشده است. بعقیده بنده این کار خیلی بد است و در چنین رأی هم بنده شرکت نمیکنم اگر آقایان میخواهند پیشنهادشان را پس بگیرند والا بنده که شرکت نمیکنم و خدا حافظ میکنم.

دادگر - بنده پیشنهادی در دستور کرده ام.

رئیس - پیشنهاد شما بعد از آنکه آقای حائری زاده آمده بودند پشت تریبون رسید حالا قرائت میشود و رأی میگیریم.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم لایحه راه آهن در دستور مقدم باشد.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم عجب ندارد و البته در زندگانی پارلمانی جایز هم هست که گاهی مبارزات و مبارزاتی روی اشخاص بشود ولی باید اعتراف کرد که اینها در حیطه رتبه مؤخر است و کارهائی که در مملکت مقوم است کارهای اقتصادی. کارهای عظم و جسم است و ما نباید وارد شخصیات بشویم. عرض میکنم این قضیه معلق است و باید تکلیفش هم معلوم شود ولی در يك وقتی که فراغ باشد. حالا لایحه راه آهن معطل است و مملکت هم منتظر است و دولت هم مهیا است و بالاخره کارش فراهم است. خوب است ما لاقول شخصیات را در درجه دوم بگذاریم مقدماً کارهای لازم را بگذاریم بعد اینها را.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با آقای دادگر خیلی صمیمی هستم ولی توجه فرمودند که آقای حائری زاده اگر مطابق فرمایشات اولشان وارد شخصیات نمیشدند بنده هم با روح سلم و سلامتی که دارم عرض نمیکنم و خیلی هم دلتنگ میشوم که بین بنده و شما در يك چیزهائی يك تندی پیدا شود. اما آقای دادگر: توجه بفرمائید بعد از آنکه هم فراکیون محترم شما تشریف بردند آنجا و با آنکه فرمودند من وارد شخصیات نمیشوم وارد شخصیات شدند خوب است شما رعایت حال بنده را هم بفرمائید که پیشنهاد کرده ام که فرمایشات ایشان را با کمال نزاکت و کمال ادب جواب عرض کنم. این حقیقتاً به بنده بر میخورد. بنده يك خلاف نظامنامه نکردم. خلاف قانونی نکردم. خلاف ترتیب و سابقه نکردم. مسئله این بود که روز قبل تعیین شده بود یعنی مقام ریاست تذکر دادند که يك پیشنهادی بشود بعد در زمینه آن صحبت شود. بنده خلافی نکردم مطابق آنچه که در مجلس صحبت شد بنده پیشنهاد کردم بعد هم حضرت آقای حائری زاده تشریف بردند و خودشان ملتفت بودند يك حملاتی کردند و بنده در دوستی و برادری

غائبین بی اجازه

آقایان: علی خان اعظمی - محمد تقیخان اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه: آقایان: سید جواد محقق -

روحی - میرزا محمد تقی بهار
دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: مرتضی قلابخان بیات
حاج میرزا حبیب الله امین - آقا سید کاظم بزدی -
حق نویس

رئیس - صورت مجلس معارضی دارد یا نه؟ آقای
حق نویس

حق نویس - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه
نوشته اند در صورتیکه بنده سر موقع آمدم

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود و بعد اصلاح
میشود. دیگر ایرادی ندارد

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد
بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - مطالبی که جزء دستور است اولاً انتخابات
سیرجان است. پیشنهادی رسیده است قرائت میشود
و مذاکرانی که باید بشود میشود بعد رأی میگیریم.
(پیشنهاد مذکور شرح ذیل خوانده شد)

نظر باینکه شعبه ششم برخلاف نظریه انجمن
نظار سیرجان راجع به انتخابات آن نقطه راپورتی تهیه
کرده و مجلس شورای ملی آن راپورت را رد نموده و
با نتیجه نظریه انجمن نظار نباید شده است لهذا
امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که به نمایندگی
آقای بدر رأی گرفته شود. یعقوب الموسوی. کازرونی
رئیس - مذاکرات در زمینه این پیشنهاد است.

آقای حائری زاده

آقا سید یعقوب - در پیشنهاد نباید توضیح داده شود؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم عیبی ندارد و البته درزندگانی
پارلمانی جائز هم هست که گاهی مبارزات و مبارزاتی
روی اشخاص بشود ولی باید اعتراف کرد که اینها
حیث رتبه مؤخر است و کارهائی که در مملکت مقوم
است کارهای اقتصادی. کارهای عظم و جسم است و ما
نباید وارد شخصیات بشویم. عرض میکنم این قضیه
معلق است و باید تکلیفش هم معلوم شود ولی در يك
وقتی که فراغ باشد. حالا لایحه راه آهن معطل است
و مملکت هم منتظر است و دولت هم مهیا است و بالاخره
کارش فراهم است. خوب است مالاقل شخصیات را
در درجه دوم بگذاریم مقدمتاً کارهای لازم را بگذاریم
بعد اینها را.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با آقای دادگر خیلی صمیمی هستم ولی
توجه فرمودند که آقای حائری زاده اگر مطابق فرمایشات اولشان
وارد شخصیات نمیشدند بنده هم با روح سلم و سلامتی که دارم
عرض نمیکردم و خیلی هم دلتنگ میشوم که بین بنده
و شما در يك چیزهائی يك تکدری پیدا شود. اما آقای
دادگر: توجه فرمائید بعد از آنکه هم فراکیون محترم
شما تشریف بردند آنجا و با آنکه فرمودند من وارد
شخصیات نمیشوم وارد شخصیات شدند خوب است شما
رعایت حال بنده را هم فرمائید که پیشنهاد کرده ام که
فرمایشات ایشان را با کمال نزاکت و کمال ادب جواب عرض
کنم. این حقیقتاً به بنده بر میخورد. بنده يك خلاف
نظامنامه نکردم. خلاف قانونی نکردم. خلاف ترتیب و
سابقه نکردم. مسئله این بود که روز قبل تعیین شده
بود یعنی مقام ریاست تذکر دادند که يك پیشنهادی
بشود بعد در زمینه آن صحبت شود. بنده خلافی نکردم
مطابق آنچه که در مجلس صحبت شد بنده پیشنهاد کردم
بعد هم حضرت آقای حائری زاده تشریف بردند و خودشان
ملفت بودید يك حلالی کردند و بنده در دوستی و برادری

جای او بیاید به مجلس. حالا ما میخواهیم وارد شویم
به صورت این انتخابات. کاظمی و بدر در آنجا کاندیدا
بوده اند آقای کاظمی بر میدارد در کتابچه خودش مینویسد
به دوسیه ها نگاه کنید که در قزوین محبوس بوده ام
يك مشت رأی در کرمان داشته ام يك عده پارسی
داشته ام و به من رأی داده اند حالا در اقلیت بوده ام ولی
در دوسیه انتخابات کرمان در این چند دوره نگاه کنید ببینید
آقای بدر يك رأی هم در حوزه های انتخابیه کرمان نداشته است
وقتی که ایشان وزیر شده اند از مقام وزارت استفاده
و کالیتی کرده اند. اگر اخلاقاً ، انصافاً ما اجازه بدهیم
که از کرسی های مهم مملکتی آقایان استفاده کنند و
حقوق رعیت را زیر پا بگذارند منتهای بی انصافی را
کرده ایم. این از نقطه نظر اصول. اما از نقطه نظر
عمل. تا بحال که در مجلس منحصر به يك اعتبار نامه
نبوده هر دوره صد و بیست صد و سی اعتبار نامه مطرح
شده و در هر دوره هم چند اعتبار نامه رد شده است
نماینده آن اشخاصی که رد شده است کدام یکی از
آنها دومیش آمده گفته که بنده هم هستم در باره
من هم رأی بگیری؟ غیر از این دوسیه کشیفی
که همه می دانیم در تحت عنوان وزارت خواسته
اند مقام و کالت را به حقه بازی اشغال کنند
و نشده است. بعقیده بنده این کار خیلی بد است و در چنین
رأی هم بنده شرکت نمیکنم اگر آقایان میخواهند
پیشنهادشان را پس بگیرند والا بنده که شرکت نمیکنم و
خدا حافظ میکنم.

دادگر - بنده پیشنهادی در دستور کرده ام.

رئیس - پیشنهاد شما بعد از آنکه آقای حائری زاده
آمده بودند پشت تریبون رسید حالا قرائت میشود و
رأی میگیریم.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم لایحه راه آهن در دستور
مقدم باشد.

رئیس - اگر میخواهید توضیح بدهید حال پیشنهاد
را پیدا خواهد کرد و مذاکرات مختصر میشود و اگر
بخواهید مذاکرات مفصل بشود باید بترتیب موافق و
مخالف صحبت شود

کازرونی - اگر اجازه میفرمائید بنده توضیح بدهم
رئیس - میخواهید توضیح بدهید بفرمائید.

کازرونی - فعلاً عرضی ندارم.

زوار - این پیشنهاد مطابق کدام ماده نظامنامه است؟
رئیس - آقای زوار چه فرمودید؟

زوار - عرض کردم ممکن است بفرمائید این
پیشنهادی که ایشان کرده اند مطابق کدام
ماده نظامنامه است؟

رئیس - پیشنهاد هائی که میشود مکرر مواد میخواهد.
آقای حائری زاده

حائری زاده - قضایای اصولی کم کم صورت شخصی
را به خود میگیرد و بنده هم خیلی احتراز دارم که
وقتی جنبه شخصی پیدا کرد وارد شوم اولاً این پیشنهاد
چه صورتی دارد همان شکلی که آقای زوار گفتند بنده
نفهمیدم این به چه عنوان مطرح میشود. طرح قانونی
است یا زده نفر از وکلاء امضاء کرده اند و رفته
است به کمیسیون مبتکرات و قابل توجه شده و در اطراف
آن موضوع صحبت است؟ لایحه دولت است؟ پیشنهادی
است که در اطراف يك خبر کمیسیون شده است؟ اصلاً
این چه صورتی دارد که آقای رئیس آنرا مطرح فرمودند
بنده هر چه فکر کردم که مطابق کدام يك از مواد
نظامنامه است نفهمیدم. حالا این مانند. انتخاباتی در
یکی از نقاط به جریان افتاده مثل سایر نقاط مملکت
بدهی است در هر نقطه هم يك عده زیادی داوطلب
هستند. یکی از آنها بیشتر رأی دارد بعنوان وکالت
خودش را معرفی میکنند. یکی کمتر دارد منتظر است يك
سوسه یا يك خرابی در کار آنکه بیشتر دارد بکند و به

شخص نالی نه سوابق مجلس ونه در قانون انتخابات ونه در قوانین دیگر چیزی نمیتواند پیدا کند. اما اینکه فرمودند این موضوع باموضوعات دیگر فرق دارد. بنظر بنده این موضوع باموضوع انتخابات خوی در تمام خصوصیات منطبق است. چرا؟ برای اینکه انجمن نظار خوی در نتیجه رسیدگی های خودش آراء ما کورا باطل دانسته است و نظر به بطلان آن تشخیص داده است که امین الاسلام وکیل است منتها در تحت تأثرانی نگذاشتند امین الاسلام بیاید بمجلس. شعبه آمد رسیدگی کرد و بالاخره رأی داد که اشکال آراء ما کو صحیح نیست...

آقا میرزا هاشم آشتیانی - اعتبار نامه نداشت.

شریعت زاده - اجازه بفرمائید آقا. حالا به موضوع اعتبار نامه هم میرسیم. مجلس رأی داد و نمایندگی آقای امیر همایون را رد کرد. آیا هیچکس هیچ صحبتی هیچ مذاکره کرده است که باید امین الاسلام دعوت بشود یا راجع بنمایندگی او رأی گرفته شود خیر. چرا برای اینکه در مجلس سوابقی شبیه باین بوده است و کسی نمیتوانست اینکار را بکند. ولی این موضوع بنظر بنده يك جنبه فوق العاده گی پیدا کرده است، جنبه فوق العاده گی، همیشه در جنبه فوق العاده گی جنبه منطبق و استدلال و حق و عدالت تقریباً مخفی میشود. و تصور نمیکم که در این موضوع بیش از این مقتضی باشد که بنده اشاره کنم در هر صورت این مطلب از تمام جهات منطبق با آن موضوع است و چون آن موضوع آنطور شد در این باب هم نمیشود نسبت بنمایندگی شخص نالی رأی گرفت و لااقل باید تصدیق کرد که اهالی اقطاع و افشار که بیش از صد هزار نفر هستند حق انتخابشان را ما نمیتوانیم زایل کنیم و لااقل بایستی انتخاب آنجا تجدید بشود. چون معلوم نیست که اگر آراء آنجا تجدید بشود آقای بدر اکثریت پیدا کند و بنظر بنده اگر آقای کاظمی نباشد یکنفر اهل محل خواهد شد، اهل محل که حقاً صلاحیت اینکار را داشته باشد نه يك کسی

نیست. در هر صورت در قضاوت در مجموع انتخابات استدعا میکنم توجه بفرمایند. چون کسی میتواند نمایندگی سیرجان باشد که در تمام حوزه های فرعی آنجا از طرف اهالی که حق قانونی برای اظهار رأی داشته باشند در انتخاب اظهار رأی شده باشد و نظر باینکه موجبات بطلان آراء اهالی اقطاع و افشار از طرف مجلس تصدیق نشده است بلکه برعکس مسلم و واضح شده است که تصمیم انجمن باطل رأی آنجا به مستند ماده ۳۶ و ۳۷ صحیح نبوده است، قدر مسلم این است که اهالی آنجا در اظهار رأی و حق برای اجرای این حق ملی حقوقشان باید مراعات بشود. و در اینصورت و فرض باید گفته شود هیچکس نماینده نیست و نمایندگی راجع بآن کسی خواهد بود که بعد از تجدید انتخاب در اقطاع و افشار حائز اکثریت باشد و بنا بر این بنظر بنده هیچ موجبی ندارد که آقایان در این باب اصرار بکنند بلکه اصرار مستلزم این است که شخص تصدیق کند که نظری را که آقایان در این باب اظهار میکنند قضاوت مطابق اصول و موازین قانونی نیست. و اگر این نباشد قطعاً تصدیق خواهند کرد که باید هیچ مذاکره در این باب نشود و امر بشود که انتخاب آنجا باید تجدید بشود.

یکنفر از نمایندگان - نمیشود.

شریعت زاده - البته بنظر شما نمیشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده سابقه به پیشنهادی که آقای دادگر کردند نداشتم و الا پیشنهاد نمیکردم برای خاطر اینکه حقیقهً وارد بشویم در کار مملکت ولی مسوق نبودم و باعتبار سابقه و آن صحبتی که روز قبل در مجلس شد و خواستند خانه بدهند این بود که این پیشنهاد را کردیم نه اینکه اگر بخواهیم داخل در این موضوع بشویم مثل این است که بخواهیم کار مملکت را عقب بیندازیم. (استدعا میکنم آقای شریعت زاده

توجه بفرمایند) با اینکه بنده ایشان را یکی از حقوق دانها میدانم و یکی از قضات تصور میکنم که شاید انشاء الله بعد از این هم در عدايه مقام قضاوت را حائز شوند ولی با این عقیده که بنده ایشان دارم يك فرمایشی فرمودند که بعقیده من مطابق با واقع نبود. پرروز در اینجا بیاناتی فرمودند با اینکه ایشان (عرض کردم) يك شخص اصولی و قوانینی هستند و تمام فرمایشاتشان از روی قانون است و خودشان از قوانین موضوعه این مملکت کاملاً اطلاع دارند در هیچ جای قوانین رأی مفتش را مدخلیت نداده است اینجا میآیند در پشت کرسی خطابه و رأی مفتش را در انتخابات مدخلیت میدهند. در صورتیکه اگر هم مدخلیت داشته باشد. برای ادراك وزارت داخله است نه برای شما! در صورتیکه آقای شریعت زاده باز در بیانات خودشان فرمودند که وزارت داخله از جهت مأموریت خودش ناچار است مفتش روانه کند، اینها که ربطی بقوه مقننه و قضاوت مجلس و قضاوت شعبه ندارد. مکنست وزارت داخله برای اطلاع و عالم شدن ناچار باشد يك عملیاتی بکند ولی او قوه مجریه است هیچ دخلی بها ندارد. این برای اطلاع وزارت داخله است. و او يك تکالیفی دارد لیکن کار او ربطی بها ندارد. پرروز اینجا بی مرحمی فرمودند و فرمودند که راپرت مفتش اهمیت دارد. خود آقای شریعت زاده که بنده معتقد هستم شخص قانون دان و دارای قوه قضاوت و فاصل بین حق و باطل هستند زیرا که در کمیسیون عدلیه غالباً در خدمتشان بودم نظریات صائبه از ایشان دیده ام در این موضوع هم خودشان تصدیق خواهند فرمود که شعبه محترمه (حالا به ایشان جسارت نمیکم) مجربانی که در مجلس بوده است عمل نکرده است. آن ترتیبی را که نظامنامه بدست ما داده که دوسیه انتخاب که آمد باید شعبه وارد شود در نظریات انجمن نظارت و ببیند عملیات انجمن نظارت مطابق با قانون واقع شده است یا خیر. شعبه محترم اینکار را

در دوره چهارم آقای سلطان محمد خان و مشیر معظم و معتمد السلطنه و اینها در مجلس نگفت بعد از آنها کیست: این هیج تطبیق با آنها نمیشود. يك مسئله بابت حال عصبانی که بنده خودم میدانم چه حال عصبانی بود مجلس يك عده را بعنوان اینکه خلاف حکومت ملی است رد کرد. دیگر انجمن مرکزی و وزارت داخله نیامده بودند يك نفر را معرفی به مجلس بکنند و بیاید در مجلس بنشینند

افسر - پس چه شده بود؟

آقاسید بعقوب - آقای افسر شما شیخ الوکلا هستید و شما پیر این مجلس هستید گمان میکنم باین سابقه که در مجلس دارید هیچوقت ترتیبات را از دست نمیدهید . . .

شیروانی - جوانتر از شما هستید. آقاسید بعقوب - من و شما گمان نمیکم ریشمان سفید نشده باشد این ترتیبات را باید مراعات کنیم. پس در دوره چهارم اینطور نبود که سلطان محمد خان یا کسی دیگر آمده باشد در مجلس و انجمن مرکزی و وزارت داخله او را معرفی کرده باشد آنوقت شعبه بیاید سلطان محمد خان را اثبات کند بعد مجلس او را رد کند و آنوقت یکی سر جایش باشد اینطور که نبود آقایان همه بودند دیدند. همینطور راجع به معتمد السلطنه و مشیر معظم و دادگر. پس آن ربطی باین موضوع ندارد در همین دوره نسبت بهمین نماینده ما کو دو نفر در اینجا نیامد. آقای شریعت زاده که من خیلی معتقد هستم به حق قضاوت شما. وزارت داخله نیامد نظام الاسلام را معرفی کند بعد اعتبار نامه باو بدهد و بیاید در مجلس بنشیند بعد شعبه رأی بدهد بامیر همایون بعد مجلس بیاید امیر همایون را رد بکند. اینطور واقع شده است؟ شما قطع نظر از اینکه مقام نمایندگی دارید در عدلیه هم خیلی حفظ حقوق مردم را کرده اید. اینها هیچ مقایسه با هم نمیشود! اینجا انجمن مرکزی آمده است گفته است مطابق این جریان من آقای بدر را وکیل میدانم بعد اعتبار

نامه هم داده است و او آمده بوزارت داخله که مسئول انتخابات است وزارت داخله هم نوشته به مجلس که آقای بدر بموجب جریان قانونی که دارد وکیل است. بعد شعبه وارد شد بدروسیه ولی نظر باین مقدمات نکرد. انجمن مرکزی را گفت بی مرتعتی کرده و وزارت داخله هم بی مرتعتی کرده بعد رفته سر وقت مفتش و گفته است که مفتش اینطور راپرت داده و بعد مجلس قضاوت کرد و مطابق رأی شعبه رأی نداد رأی انجمن که ازین زفته. کی این را میشود با ما کو و سلماس قیاس کرد! هیچ ربطی بهم ندارد! مگر اینکه با يك سریشی بهم بچسباند. اینها دو موضوع مستقلاً است که هیچ بهم دیگر نسبت ندارد بنا براین بنده که پیشنهاد کردم نظرم اولاً چیزی بود که در مجلس معین شده بود. ثانیاً همینطوری که آقای حائری زاده میل ندارند در شخصیات داخل بشوند هیچوقت هم خدا نکند که بنده و ایشان در يك مسئله سیاسی که نظری واقع میشود داخل در شخصیات بشویم. چون این مسائل سیاسی در مجلس مسئله اجتهاد است. هر کس بمدارک خودش يك اجتهادی میکند. در اینجا اجتهاد بنده و ایشان در این مسئله سیاسی اختلاف دارد ولی نه این است که خدای نخواستند با ایشان داخل در شخصیات بشوم ایشان آنطور قضاوت کردند بنده عرض میکنم باین ترتیب قانونی که جریان دارد قضاوت بنده اینطور است. این است که ما عده وکلای که در مجلس هستیم هیچوقت اغراض شخصی در نظر نداریم در امور نظری اختلاف پیش میآید نه اینکه بخواهیم اعمال غرض بهم دیگر یا به مملکت بکنیم. این مسئله اجتهاد است بنده بکطور تشخیص داده ام آقایان دیگر بکطور و قضاوت با اکثریت است. اجتهادمان مختلف است بنده عرض میکنم مطابق قانون و سابقه که داریم باید اینطور قضاوت کنیم نباید آقای حائری زاده دلننگ بشود که چرا داخل در شخصیات شده ایم.

رئیس - آقای دشتی پیشنهاد کرده اند این مسئله از

دستور امروز خارج شود. بفرمائید دشتی - عرض کنم مسئله از دوشق خارج نیست يك مسئله انتخاب سیرجان است که در اینکه يك مسئله نظری است هیچ شبهه نیست. حالا معلوم نیست محل اختلاف جنبه های سیاسی است یا حقوقی است. علی ای حال دنبال کردن این قضیه چندان حسنی ندارد و از طرف دیگر لواجی در دستور هست که تمام مملکت منتظر این لواج مفیده اند. و بالاخره این را هم باید اعتراف کرد که مسائل عمومی مملکت مقدم است هم بر وکالت آقای کاظمی و هم آقای بدر باین جهت از آقایان استدعا می کنم عجبالتاً این مسئله از دستور خارج شود و مطابق فرمول مجلس با يك عده را معین بکنند که در این باب تحقیق کنند یا به کمیسیون برود یا به شعبه دیگری برود یا در خارج آقایان وکلا این مسئله را حل کنند و بالاخره این قدر اوقات مجلس صرف يك مسئله جزئی نشود و به کار مسائل عمومی مملکت برسد. استدعا میکنم از طرفین که اجازه بدهند از دستور خارج شود ممکن است در خارج صحبت بشود بعد جزء دستور بشود رئیس - چون آقای مدرس هم در همین زمینه پیشنهادی

کرده اند بعد از توضیحات ایشان رأی میگیریم

(پیشنهاد آقای مدرس نیز بضمون ذیل قرائت شد) نظر باینکه در موضوع انتخابات سیرجان که پیشنهاد شده بود فی الجمله مذاکراتی شد و نظر باینکه با بودن بعضی مطالب مهمه در دستور مثل راه آهن و غیره مناسب نیست مذاکراتی که موجب تألم است بین آقایان بشود پیشنهاد میکنم بقیه مذاکرات باشد تا جلسه دیگر امیدوارم موفقیت حاصل شود که قضیه در خارج بین جمیع آقایان بطور مسالمت حل شود.

رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید.

مدرس - توضیحش واضح است. همه آقایان میدانند

دشتی - بنده هم موافقت میکنم

مدرس - ممنونم.

رئیس - چون عده برای اخذ زای کافی نیست اگر اجازه بفرمائید چند دقیقه تعطیل میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون قبل از تنفس عده برای رای گرفتن کافی نبود پیشنهاد آقای مدرس دو باره قرائت میشود و رای میگیریم

(بشرح گذشته خوانده شد)

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده اصولاً با مطرح شدنش موافقم ولی با این طرز پیشنهاد که این جلسه از دستور خارج بشود و جلسه دیگر باز بیاید مذاکره کنیم مخالفم با آن پیشنهادی که آقای دشتی کرده بودند که از دستور خارج بشود بنده موافقم با روح این پیشنهاد موافقم ولی با فرمایش موافق نیستم

رئیس - آقای دشتی با این پیشنهاد موافقت

دشتی - بلی موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مدرس آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد راه آهن مطرح است یعنی خبر کمیسیون بودجه راجع به لایحه راه آهن. مذاکرات فعلاً راجع به کلیات است آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده با مذاکره در پیشنهاد خط آهن با کلیش مخالفت ندارم و امید واری هم دارم که تمام مملکت از این قبیل کارها فایده کلی ببرد. با چیزی که مخالفم این است که یکمرتبه پنج میلیون اعتبار داده شود بجهت ساختمان راه آهن. تمام پولی که بعد از کارخانه ذوب آهن باقی مانده است تقریباً همین اندازه است.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده با راه آهن مخالف نیستم بجهت اینکه راه آهن حقیقت واقعش يك چیزی است که در هر جائی رفته باعث آبادی شده و اسباب ازدیاد تجارت و اقتصادیات است ولی با موقعش و طرز خرجش مخالفم هر خرجی را که ما در مجلس تصویب میکنیم متلازم با اخذ يك مالیاتی است اگر آن خرج را ما در موقع خودش بکنیم برای مملکت مفید است ولی اگر در محل خودش خرج نشود و بی موقع خرج شود برای مملکت مضر است خواه اینکه آن خرج در داخله مملکت بشود خواه در خارج البته اگر در داخله شد چندان مضر نیست ولی اگر در خارج شد خیلی مضر است. در داخله را هم بنده عرض میکنم مضر است برای اینکه وقتی مخارج زیاد شد قهراً مالیات زیاد میشود و وقتی که مالیات زیاد شد مخارج زندگی زیاد میشود و هر ملتی که مخارج زندگانش زیاد شد صادراتش کم میشود زیرا خریدار جنس و متاع خرید خودش را در مملکتی میکند که مخارج ارزان تر باشد. زیرا مخارج ارزان سبب میشود که مال التجاره ارزان تمام شود و زیادی مالیات سبب میشود که این محصولات گران تمام میشود و در نتیجه خریدار خودش را از جاهائی میکند بجا هائی که محصول ارزان تر تمام میشود پس بنابراین وضع مالیاتهای بدموقع مخارج را در مملکت گران میکند و بالتسلیح صادرات مملکت کم میشود و اینهمه فریاد که میکنیم که باید صادرات مملکت خودمان را زیاد کنیم یکی از راه هائی که صادرات مملکت زیاد میشود وضع نکردن مالیاتهای بی مناسبت و بدموقع است. قبل از جنگ بین المللی بازار بین المللی عالم تقریباً آلمان بود برای اینکه مال التجاره در آلمان زیاد تر خریداری میشد چون ارزان تر تمام میشد و همه خریداران مراجعه به آلمان می کردند.

اگر مال التجاره در آلمان گران تمام میشد هیچکس این اندازه بآلمان مراجعه نمیکرد و بالاخره باید از آنچه

که سبب گرانی محصول میشود احتراز کنیم یکی از آن چیز هائی که سبب گرانی محصول است وضع مالیات های گراف و بیموقع است. برای راه آهن دو شرط لازم است. هر مملکتی که بخواهد راه آهن بسازد باید دو شرط موجود باشد. اول استعداد ساختن راه آهن است. شرط دوم هم احتیاجات است اما در باب استعداد ساختن راه آهن در مملکت ما از نقطه نظر موازنه تجارنی - موازنه تجارنی اگر به ضرر ما نباشد به نفع ما نیست اگر چنانچه به احصائیه کمتری نگاه کنیم می بینیم بیشتر چیز میخریم و کمتر میفروشیم. البته میفرمایند يك صادرات و واردات غیر مرئی هم هست و يك پول هائی هم باین مملکت وارد میشود. بنده این را قبول میکنم ولی چندان قابل نیست و این وضعیت اقتصادی کاملاً حاکی است که موازنه تجارنی بر ضرر ما است پس وقتی که موازنه تجارنی بر ضرر ما شد استعداد ما کم است و چون عایدات زیادی هم نداریم اگر مقداری عایداتمان را يك جائی خرج کنیم و از او فورا فایده ببریم متضرر میشویم. عایدات ما کلیتاً محدود است و اگر ما خواستیم يك پولی را در يك محلی خرج کنیم که فایده فوری نخواهیم از آن ببریم قهراً ضرر زیاد متوجه ما میشود فرض بفرمائید امروز پولی که در مملکت است سی و پنج تا چهار میلیون است که در داخله مملکت هست و وقتیکه ما از خارج عایداتی نداریم که آن عایدات را صرف يك کار هائی بکنیم این سی میلیون پولی که امروز در جریان است اگر از خارج يك چیز هائی خریدیم و آوردیم قهراً این پول از دست ما خارج میشود و از جریان می افتد و دیگر در دست ما نیست. عوضش چیست عوضش هر چه هست باید مفید باشد اگر عوضش مفید نباشد. با اگر فایده اش فوری یا در يك مدت قلیلی نباشد یا اینکه فایده اش راجع باشد به يك قرن یا پنجاه یا صد سال دیگر البته آن پول از دست ما رفته و ما نفع و فایده نداریم.

دوم احتیاج است: اگر يك كسى میخواهد خانه بخرد اول فکر میکند که من قدرت و استطاعت خرید خانه فارم باندارم بعدم البته نگاه میکند بقدر احتیاج خودش خانه بسازد زیرا اگر خانه از احتیاجش زیادتر شد بعد بی مصرف میشود و فایده ندارد. اما در مسئله راه آهن یعنی در فایده راه آهن، مملکت بلژیک وقتیکه میخواهد راه آهن بسازد چه میگوید؟ او میگوید هر هزار ذرع در هزار ذرع یعنی هزار ذرع مربع مملکت من دوپست و هشتاد نفر ساکن دارد. بعد میگوید وقتیکه در هزار ذرع مربع مملکت من دوپست و هشتاد نفر ساکن داشته باشند دوپست و هشتاد نفر در هزار ذرع مسافت می کنند و دوپست و هشتاد نفر در هزار ذرع مربع احتیاجات دارند و نان میخورند ولی در ایران هر کیلومتر مربع پنج نفر ساکن دارد هشتاد مرتبه احتیاجاتش از بلژیک کمتر است و اگر در بلژیک هشتاد مرتبه راه آهن حرکت می کنند بنا بر این راه آهن آنجا هشتاد برابر راه آهن ایران کار میکند - مخارج راه آهن که فرق نمیکند بجهت اینکه شما هشتاد میلیون خرج میکنید راه آهن میسازید این هشتاد میلیون اگر در دست مدت ایران باشد و بمصرف کار های دیگر برسد سالی دوازده میلیون فایده میبرم در صورتیکه راه آهن سالی هشت میلیون خرج دارد. پس بنا بر این عرض میکنم راه آهنی که در سال دوازده میلیون خرجش میکنیم اگر هشتاد مرتبه کار کرد البته هشتاد مرتبه منافع ما زیادتر میشود و اگر يك مرتبه کار کرد منفعت ما هشتاد مرتبه کمتر میشود.

زیرا وقتیکه احتیاجات در مملکت زیاد نشود با احتمالاً زودتر راه آهن را شروع و تمام بکنند زودتر فایده میبرند ولی وقتیکه احتیاجات در مملکت کم شد و راه آهن هم در يك ماه یا در بازده روز یا يك هفته يك مرتبه حرکت بکند این فایده ندارد ولی در يك مملکتی

به بنده جواب ندادند) اگر راه آهن آذربایجان را هر فرسخی سیصد هزار تومان بگیریم خرجش شده است نه میلیون در آذربایجان خرج راه آهن شده است و این مسئله خیلی نخبه و مطالعه خوبی است برای ما که به بینیم راه آهنی که در آذربایجان کشیده اند و نه میلیون خرج کرده اند و حالا دوازده سال است این راه آهن در آنجا دایر شده چه عایداتی برای ما داشته و چه فایده عاید ما شده؟ برای اینکه نه میلیون که برای راه آهن آنجا خرج شده واقماً باید سالی نصد هزار تومان فایده بدهد در صورتیکه از راه آهن ده يك برنمیدارند و بیشتر از ده يك باید برداشته شود زیرا در ظرف ده سال، بیست سال، سی سال، گاهی لازم میشود که همه چیزش باید عوض شود پس باید فایده اش بیشتر باشد. حالا فرض میکنیم که يك كسى نه میلیون داده باشد اقللاً باید در سال نصد هزار تومان فایده برده باشد و حالا دوازده سیزده سال است که راه آهن آذربایجان دایر است بنده خیلی میل داشتم که آقای وزیر فواید عامه معین میکردند که در ظرف این دوازده سال چقدر عاید دولت شده و مخارج راه آهن چیست؟ و عایداتش چقدر است؟ در صورتی که آن نقطه از تمام نقاط ایران جمعیتش بیشتر است. این را ما میتوانیم مقیاس قرار بدهیم با آنجا هائی که جمعیتش هم خیلی کمتر است و بگوئیم خیلی خوب حالا که در آذربایجان با این جمعیت زیادتی که دارد راه آهن سالی صد هزار تومان فایده دارد جای دیگر هم صد هزار تومان عایدات دارد - اگر بود چه راه آهن آذربایجان معین میشد ملاحظه میفرمودید که بعد از دوازده سال راه آهن دخل و خرج نمیکند و فایده نمیبرند و نتیجه عرایض بنده معلوم میشد.

در قانون جزا مقدمات اعمال منهبه قابل مجازات نیست یعنی اگر کسی بخواهد کسی را بکشد مقدماتش قابل مجازات نیست میروند تفنگ میخورد از برای کشتن فشنگ می خرد برای کشتن. حرکت میکند میروند وارد

خانه میشود برای کشتن ولی ناکشد ابداً مجازات ندارد مگر اینکه آن اعمال مقدماتی خودش بخودی خود قابل مجازات باشد. فرض بفرمائید بنده می خواهم بروم يك كسى را نوبی خانه اش بکشم وقتی که از پله زدیام رفتم بالا و داخل خانه شدم شاید از زدیام بالا رفتن خودش يك مجازاتی داشته باشد و بخودی خود آن عمل مجازات داشته باشد ولی اگر آن کار مجازات نداشته باشد تا زمانی که آن عمل نشده آن مقدمات قابل مجازات نیست و قانونگذار آن عمل را قابل مجازات نمی داند.

یک نفری حرکت کرد رفت يك كسى را بکشد و تمام مقدمات کشتن او را هم فراهم کرد و رفت در خانه آن شخص اما گفت عوض اینکه من يك نفس شریفی را بکشم يك حیوان موزی را میکشم. این جا کار خوبی هم کرده است زیرا میخواسته است يك کار بدی بکند و نکرده است. اعمال مقدماتی برای این بود که يك کار بدی بکند و عمل آخر را بکند و آن مسئله را که علت العلیل است و علت غائی است بکار ببرد و آنوقت آن کار را نکرد و آمد يك کار خوبی کرد یعنی يك حیوان موزی را که قانونگذار برای کشتن او اجر قرار داده است کشت. این جا آن شخص مأجور هم هست. حالا بنده عقیده ام این است که در مثل مناقشه نیست و بنده مخصوصاً استدعا میکنم از آقایان محترم که يك قدری در این مسائلی که واقع شده دقت بفرمایند چون واقماً ما همه نماینده ملت هستیم اگر بکفتری در مسائل دقت بکنیم هیچ ایرادی بر ما وارد نیست. خوب میگویند شما پنج میلیون میخواستید رأی بدهید چرا دقت کردید؟ خیر آقا: بنده دارم به پنج میلیون خرج رای میدهم. بنده می بینم يك ملتی که بعضی افرادش در این کوچه ها افتاده اند و دارند میمیرند وقتیکه من وکیل هستم و از طرف این ملت انتخاب شده ام و در اینجا میخواهم رای بدهم چرا برای

پس بنا بر این اگر ما يك قدری دقت کنیم مورد شمت و ملامت نیستیم. بلکه به ما خواهند گفت که شما نمایندگان هستید که احتیاطات لازمه و دقت های کافی را بکار برده اید و رای داده اید. ولی اگر برعکس يك لایحه را یا يك اعتباری که می آورند دقت نکرده و بی مطالعه رای بدهیم و فردا در حقیقت پهلوی نفس خودمان و پهلوی خدا و رسول و مردمی که به ما رای داده اند مسؤل باشیم این بنظر بنده يك کاری است که صحیح نیست. بنده تصور میکنم که اگر ما بخواهیم آن پولی را که خرج می کنیم از آن پول استفاده کنیم و راه آهن بکشیم بنده عقیده ام را در مجلس عرض کرده ام و حالا هم حاضریم در هر جائی که بفرمائید از روی حساب و دلیل مدلل ثابت کنم که ما میبایست این موجودی را که الان هست (بنده عرض کردم با راه آهن مخالف نیستم) اگر شما از عایدات انحصار قند بخواهید قند بسازید بنده موافقم بجهت اینکه میگویم يك چیزی پیدا می کنیم و برای يك چیزی خرج می کنیم برای اینکه امروزها بطوری که عرض کردم محل احتیاج است. اما فائده راه آهن: هر مملکتی که احتیاجاتش بیشتر است راه آهن در آنجا بیشتر فایده دارد و هر جائی که احتیاجاتش کمتر و جمعیتش کمتر است بالنتیجه فائده اش کمتر است. ما الان يك وسائل موجودی داریم و احتیاج بچیزهای دیگری داریم و هیچ محتاج نیست که پنجاه سال دیگر راه آهن بیاید در این مملکت و مردم را عادت بدهد به مسافرت و خرید و فروش مال التجاره. ما چرا الان از این پولی که حاضر است استفاده نکنیم و برویم پول خودمان را در زمین بریزیم؟ و ضرر کنیم برای اینکه پنجاه سال دیگر میخواهیم استفاده کنیم. آن احتیاج موجوده بعقیده بنده قند است. ما در سال ۲۲ میلیون قند میخریم و چهارده میلیون پول حالا موجود داریم. بنده

بهر کسی بفرمائید حاضر هستم مباحثه و مذاکره کنم که اگر ما این چهارده میلیون پول موجودی را خرج کارخانه قند در نقاط مختلفه بکنیم هم قند ارزاتر میشود و هم ما مستغنی از فرستادن چهارده میلیون پول بخارج میشویم. وقتی که ما چهارده میلیون بمبادیان اضافه شود تقریباً نود و دو سال سه سال دیگر ما میتوانیم هفت میلیون را بدهیم و بگوئیم این هفت میلیون را هم بدهیم برای احساسات یا نچمل یا نچریه هم که باشد راه آهن بسازیم. بالاخره اگر ما این مردرا چاق نکنیم نمیتوانیم آنها را بدوشیم. باید استفاده مردم بدهیم آن وقت از آنطرف هم بگیریم نه اینکه این هم که در دست مردم است بگیریم و برویم در زمین بریزیم و تا پنجاه سال دیگر فایده ببریم. بنظر بنده اگر الان ما بخواهیم يك چیزی را قائم مقام راه آهن بکنیم که از این پول موجود فایده ببریم کارخانه قند است. بنده آن قدریکه با معاملات سفهی مخالفم با بعضی چیزها مخالف نیستم. آنچه که بنظر بنده می آید در مجلس يك اعتراضی کرده بودند که مالیه این مستخدمین راه آهنی را که آورده است و دولت دو بیست هزار تومان اعتبار گرفته است این اعتبار را زود تمام کرده اند. در چند روز قبل از این يك متحدالمالی تحت نمرة ۳۳۰ به امضای رئیس مالیه برای وکلا برسد بنده هم دارم. این متحدالمال دو موضوع داشت: اول راجع بخرید صد و چهل هزار دلار بود. چون مستخدمین امریکائی گفته اند که ما بانومان معامله نمی کنیم و حقوق ما باید بادولار باشد، صد و چهل هزار دلار خریده اند برای اینکه حقوق آنها را که امسال باشد تأمین کنند و بدهند. دوم هم این بود که لایحه پنج میلیون يك ماه است به تصویب وزارت مالیه رسیده ولی مجلس يك همچو موضوع مهمی را تأخیر کرده اند و جای تأسف است. بنده در موضوع اول چندان مخالف نیستم بجهت اینکه مهندسی که بقدر متخصصین مالیه از علم اقتصاد بهره ندارند شاید

آنقدر فهمیده باشند که ممکن است پول ما نزل کند و دلار بالا برود بنا بر این می گویند ما پول خودمان را به دلار میخواهیم تبدیل بکنیم و وزارت مالیه هم این صد و چهل هزار تومان را از حالا دلار خریده برای اینکه تا دو سال دیگر پول دلار به آنها بدهد ولی از این معامله تعجب میکنم که وقتی که مهندسی امریکائی که آنقدر متخصص در امر مالیه و اقتصاد نیستند این مسئله را ملتفت هستند که اگر بخواهند تومان بگیرند شاید بواسطه نزل نقره سال دیگر پول ما ارزان می شود آنها فکر خودشان هستند که پول ما را به دلار تبدیل کنند چه میشود که وزارت مالیه چهارده میلیون پول ما را لیره طلا نمی کند؟ بجهت اینکه اگر ما چهارده میلیون پول موجود مان لیره طلا بود امروز که میخواهیم انانیه راه آهن بخریم چهارده میلیون انانیه میخریم ولی امروز که چهارده میلیون را به تومان دادیم هر قدر که بخواهیم انانیه بخریم نظر به اینکه لیره بالا میرود و تومان بواسطه نزل نقره پائین می آید ما يك میلیون دو میلیون هر قدر پولمان بیشتر باشد به همان نسبت ضرر داریم. و این مسئله اسباب تعجب بنده است که بالاخره عوض اینکه پول ما به لیره تبدیل میشد لایحه هم به مجلس میآید که کمرب نقره موقوف شود. برای اینکه نقره را که میبرند در ضرابخانه آنجا خیلی اجرت ضرب میگیرند. بنا بر این نقره هم باید مالیاتش موقوف شود. این لایحه برای امریکا يك فایده دارد و برای ما دو ضرر. چون امریکا البته فروشنده نقره است اگر نقره اش را نخرند ضرر دارد، برای ما هم دو ضرر دارد و اولش اینست که ما در يك موقعی که باید پول خودمان را طلا بکنیم تسهیلات در کار بیشتر می کنیم که نقره بیشتر بیاید در مملکت. زیرا وقتی که نقره در مملکت بیاید اگر يك وقتی هم ما بخواهیم پولمان را طلا کنیم هر قدر نقره در مملکت زیادتر باشد ضرر ما بیشتر است برای اینکه وقتی که نقره در مملکت زیاد شد هیچوقت نمیتوانیم ما

راه آهن ناده سال دیگر راه آهن فایده ندارد و البته تا ده سال دیگر هر چه خرج بکنیم بیفایده است و بعد از ده سال هم بترتیبی که بنده عرض کردم مملکتی که هر کیلو متر راهش پنجاه نفر جمعیت دارد کان نمیکند فایده داشته باشد. امروز مملکت فرانسه يك بودجه ها و تك هائی برای راه آهن میکند چرا؟ برای اینکه ضرر میکند یا اگر ضرر نکند و منفعت هم داشته باشد منفعتش خیلی کم است - بنظر بنده اگر ما در این مملکت راه های شوسه مان را درست کنیم ماضر نمیکنیم زیرا همان اندازه که مردم متفرقه از سرویس کامیون فایده میبرند دولت هم فایده میبرد. آیا مردم متفرقه هیچکس هست که کسی بکند یا نسبت به بودجه شان مساعدتی بکند؟ البته دولت هم فایده میبرد و همین دلالی که عرض کردم این مسئله مفیدتر می باشد بجهت اینکه ما اگر برای راه آهن از حالا خرج میکنیم ناده سال دیگر فایده نمی بریم ولی از امروز که کامیون را دایر کردیم شروع میکند به تربید احتیاجات و وقتی که احتیاجات مان زیاد شد البته فایده میبریم. ولی راه آهن در مملکت ما بلا منفعت است. بعلاوه کامیون يك فایده دیگری هم دارد و آن این است که راه آهن مؤثر در طرفین خط است و آن نقاطیکه دور از راه آهن است آنها که احتیاجاتشان رفع نمیشود. آنها باید باز مال التجاره خودشان را با همین وسایل نقلیه حمل کنند و برسانند بخط آهن. پس اگر ما سرویس کامیون را درست کنیم همین جایی که امروز میخواهیم راه آهن بکشیم زودتر شروع میشود به تربید احتیاجات و هم در جاهای دور و بالاخره به نظر بنده سرویس کامیون مفیدتر است چون بنده خودم از اداره حمل و نقل تحقیقات کرده ام ممکن است همانطوریکه عرض کردم بگویند خوب کامیون را هم باید از خارج بخریم. بنزین را هم باید از خارج بخریم. چه فرق دارد؟ اینها را هم باید از خارج بخریم ولی خیر اینطور نیست. اولاً ما اناثیه راه آهن را باید چه-میلون بخریم و بعد هم سالی چهار میلیون بودجه بدهیم

پولمان را طلا بکنیم باین جهات ما دو ضرر می کنیم و يك نفع امریکا میبرد. اگر با این اعمال بنده چندین مخالفت نمی کنیم برای این است که حقیقه با نوع بشر مخالف نیست و دشمن نوع بشر نیست. اگر این ملت فایده نمیرد مملکت دیگر میبرند و مملکت دیگر دنیا هم نوع بشرند ولی با معاملات سفهی بنده حقیقه نمیتوانم موافقت کنم و آن این است که ما استعداد ایجاد کاری را نداشته باشیم و احتیاجش را هم نداشته باشیم آن وقت برویم يك کاری بکنیم که برخلاف استعداد احتیاج باشد. پس بنا بر این عرایضی که شد ما باید اول احتیاجات خودمان را زیاد کنیم و بنظر بنده اگر ما بخواهیم احتیاجات خودمان را زیاد کنیم راهش اینست که ما امروز کارهای مهمی در قسمت کامیون بکنیم. اگر ما امروز آمدیم کامیون بکار انداختیم و این راههای شوسه را بکار انداختیم کامیون فایده خواهد داشت البته ممکن است بگویند کامیون و بنزین هم از خارج خریده میشود و کامیون هم مضر است ولی خبر ما اگر بخواهیم خط آهن بکشیم چهل میلیون پولمان بخارج میرود (که سالی چهار میلیون حداقل منفعت آن است) و سالی چهار میلیون هم بودجه راه آهن است پس این ضررش برای ما از هر چیزی زیادتر است در صورتیکه اگر ما سرویس کامیون را در این مملکت دایر کنیم باین ترتیب که پنجاه کامیون بیآوریم برای مسافرن که یکی از طهران حرکت کند برود بوشهر و یکی هم برعکس - مسافرن بر راه بوشهر روزی بیست نفر نیست محال است. روزی پنجاه نفر هم نخواهد بود. باین ترتیب ما میتوانیم مسافرت راه بوشهر را اینجا را با کامیون تأمین کنیم و اگر ما پنجاه اتوبوس مسافرنی داشته باشیم میتوانیم در پنج نقطه ایران خط ابتدائی و انتهائی درست کنیم و بعد هم بکده کامیون که بنده شنیده ام امروزه در اروپا هست که با بخار حرکت میکند و بخارج سوختش هم خیلی کم است آنها را بیآوریم برای حمل و نقل - البته اگر امروز شروع بکنیم بکشیدن

و چهار میلیون هم ضرر بدهیم و فایده هم نمیکند مثل راه آهن آذربایجان که بعد از دوازده سال فایده نکرد در صورتیکه اگر ما دو میلیون خرج بکنیم میتوانیم سرویس کامیون را دایر کنیم و این برای ما مفید است بطور غیر مستقیم چرا؟ بجهت اینکه بنده تحقیق کرده ام با وسایل نقلیه خود مان که پیش بود اداره حمل و نقل خرواری دو ربال کرایه میداد و این خرواری دو ربال هم اجباری بود زیرا هیچ شتر دایر و مکارئی بخرواری دو ربال راضی نیست و این يك ترخی بود که خود دولت از روی اجبار معین کرده بود معذک همین خرواری دو ربال را هم که ماخذ بگیریم (بنده از اداره حمل و نقل تحقیقات کرده ام) با همین کامیونهای که داریم. با همین کامیونهای بدو متوسطی که داریم کرایه نصف کرایه پیش میشود و البته وقتی که کرایه نصف شد و عوض اینکه خرواری دو ربال بدهند خرواری يك ربال و يك قران دادند آن وقت صادرات مملکت ما بخارج ارزان تر تمام میشود و وقتی که صادرات ارزان تر تمام شد خریدارش بیشتر است و پول بیشتر وارد مملکت میشود. پس اگر ما بکمقداری پول برای کامیون و بنزین بخارج بدهیم از آن طرف چون صادرات بواسطه کمی کرایه ارزان شده و خریدارش بیشتر است فایده میبریم. بنا بر این عقیده بنده این است که اگر امروز شروع کنیم بسرویس کامیون هم شروع کرده ایم به تربید احتیاجات و هم اینکه ضرر زیادی نبرده ایم و بالاخره این مسئله که تولید احتیاجات باشد وقتی فراهم شد راه آهن هم زودتر فایده می دهد - و این پول موجود را هم اگر بخواهید صرف يك کاری بکنید که فایده داشته باشد بنده عرض میکنم قند سازی است و تصدیق بفرمائید که ما باید يك کاری بکنیم که فایده داشته باشد چون ما يك ملت فقیری هستیم. اگر پولمان را در يك جایی ریختیم که نتوانیم بزودی از آن فایده ببریم باید راه آهن خودمان را همینطور نیمه تمام بگذاریم و بنده نمیدانم آن نیمه تمام را کی خواهد ساخت؟

وزیر فواید عامه - عرض کنم البته بنده منکر نظریات نیستم. نظریات در دنیا ممکن است مختلف باشد. آقای نماینده محترم نظریاتشان این بود که فرمودند - يك مقدارش هم فلسفه علم اقتصاد بود و بنده در این جا چون اهل اصطلاح نیستم وارد نمیشوم - بکمقدارش هم راجع بود به راه آهن و این جا هم يك نظری بود که آباراه آهن ضرر دارد؟ فایده دارد؟ کامیون بهتر است؟ شاید کاری بهتر از هر دو باشد چنانکه شصت و پنجسال است که ما عمر کرده ایم پنجاه و پنجسالش را با گاری یا قاطر یا الاغ گذشته - بارشان را هم آورده اند و برده اند بالکی هم نشسته اند قاطر هم سوار شده اند مسافرت هم کرده اند امر هم گذشته - این محل شبهه نیست البته اگر يك چیزهای جدید الاخره در این مملکت نیامده بود باز هم ممکن بود با همان وسائل پنجاه سال قبل خود مان زندگانی کنیم یعنی با همان قاطر خودمان آمد و شد کنیم و نوبی بالکی هم بنشینیم و شتر هم بارمان را ببرد. ولی عجاله این مسئله راه آهن يك امری است که زائیده شده و کان نمیکند دیگر بجایش بر گردند. اما شخص بنده نه از این نقطه نظر که حالا يك ماموریت خاصی در این باب دارم دفاع میکنم خیر حساب کرده ام که بعد از اینکه در این مملکت راه آهن ساخته شد چقدر منافع مستقیم و غیر مستقیم برای این مملکت خواهد داشت. بنده ما بین مردم ایران از پنجاه سال پیش تا حالا متخصص ترین اشخاص در باب راه آهن مرحوم صنیع الدوله را میدانم. و شخصاً هم تابع رأی او هستم و بنده میدانم که بیست سال تمام مرحوم صنیع - الدوله در اطراف این مسئله در باب آمد و شد و ورود و خروج مال التجاره و سایر مسائل مربوطه براه آهن همه را مطالعه کرده و بالاخره عقیده قطعی او این شد که یکنانه وسیله نجات ایران در راه آهن است مسئله را هم عنوان کرد و محل هم برایش پیدا کرد و خیلی هم بحث کرد منتهی آن وقت مقدر نبود با وسائل هنوز

مملکت لازم است و جزو ضروریات زندگی مملکت است. چهل سال قبل از این ما در طهران داروغه بازار داشتیم چندنا گزومه هم داشتیم بازارهای ماهم هیچ عیب نداشت و دزدی هم شاید کمتر میشد. چند نفر دیگر هم در شهر داشتیم که حالا بنده اسمشان را نمیدانم و همه اینها شهر را حفظ میکردند و سالی چهار پنج هزار تومان هم بیشتر خرج نداشت. ولی اقتضای زمان برای ما درست کرد. همان اقتضای زمان حالا میخواهد برای ما راه آهن درست کند. و خیلی هم مفید است. میفرمائید کامیون - اولاً اشتباه نشود که روی این راههایی که ما الان داریم چه آن راههایی که روسها ساخته اند چه آن راههایی که انگلیسها ساخته اند چه آن راههایی که خودمان ساخته ایم روی هیچیک از این راهها کامیون نمی تواند حرکت کند. و خرجش خیلی زیاد تر از دخلش است و از قرار بر آوردی که کلنل موریس کرده است و نقشه کشیده و حساب کرده اگر در آن راههایی که ما تصور میکنیم کامیون راه بیندازیم بهتر است و خیال میکنیم عوض يك خط شانزده خط راه خواهیم داشت چهل و پنج میلیون خرج دارد. و بعد هم که این چهل و پنج میلیون را خرج کردند و راه کامیون رو درست کردند باز برای نگاهداری آن بیش از راه آهن خرج لازم خواهد داشت و مبالغ زیادی باید خرج اصلاح و تعمیر و مرمتش نمود ولی راه آهن راست است که خرج اولش یک قدری زیاد است ولی بعد خرجی نخواهد داشت. الان این کامیونهایی که از طرف خالقین و کرمانشاه بطهران از این راهی که روسها ساخته اند میآیند با اینکه ما این راه را مرمت کرده ایم ولی چون در ایام جنگ ساخته شده این کامیونها مقداری از این راه را تراشیده اند بطوریکه ما از عهده مرمتش بر نمیآئیم و باید دانست این راههای شوسه که تا کنون در این مملکت ساخته شده قابل عبور کامیون نیست برای اینکه زیر سازی آنها محکم نیست و آن قدری که باید سنگ بریزند زبخته اند و آنطور که باید محکم نیست و همه

فراهم نشده بود که این کار صورت بگیرد و از آن وقت تا الان که این جا ایستاده ام من هم پان عقیده بودم و معتقدم که یگانه وسیله و راه نجات این مملکت راه آهن است هم از نقطه نظر اقتصادی و هم از نقطه نظر سیاسی. چون در قضا با نباید همه را بفکر اقتصادی بود يك وقت هم هست که اگر بنده خانه خودم را که در يك خیابان عالی واقع است تعمیر نکنم و آن را بحال خرابی بگذارم آن وقت يك بلدیة پیدا خواهد شد که می گوید دیگر لازم نیست همچو خانه در حاشیة این خیابان باشد و خراب میکند و يك خانه عالی بسازد که متناسب وضع خیابان باشد

اما راه آهن شبهه ندارد که در بدو تاسیس در خیلی از مهالك فائده نداشته و معذک تمام مهالك ساخته اند حتی روسها از مسکو به بندر پرت آرتور راه آهن کشیده اند. چون نمایندة محترم در اینجا چند دفعه لفظ سفی در ضمن فرمایشاتشان فرمودند بنده هم می خواهم عرض کنم که هیچ سفی در دنیا تصور نمی کنم پیدا شود که از مسکو به پرت آرتور راه آهن بکشد! ولی این آيا نفع مستقیم خواهد داشت خیر. آبادی در مملکت پیدا میشود راه اتصال مملکت بسایر جاها باز خواهد شد - و در این جا يك مقتضیانی است که تا انسان در کار وارد نشود و راه آهن نسازد نمی تواند منافع آن را احساس کند. مگر نظمیة در مملکت منافع مستقیم دارد؟

مدرس - نظمیة ما دارد؟

(خنده نمایندگان)

وزیر فواید عامه - مگر امنیة منافع مستقیم دارد؟ مگر نظام و سایر چیزها منافع مستقیم دارند؟ خوب نظمیة را ما برای چه می خواهیم؟

برای اینکه نظم شهر را عهده دار باشد. امنیة برای ایست که راهها منظم باشد. نظام برای این است که مملکت منظم باشد. همه اینها خرج دارد. ولی برای

اینهارا اگر نخواهید درست کنید بطوریکه بدردمصرف آمدند و کامیون بخورد متجاوز از چهل و پنج بلکه پنجاه میلیون خرج خواهد داشت و همین کار هم کمتر از ده سال وقت لازم ندارد. و بعد هم که ساخته شد تازه کامیون کار راه آهن را نمی کند اداره ارزاق سیصد تا کامیون با مخارج گران برای سال گرانی تهیه کرده بود از قراریکه میگویند دوست و هفتاد تایی آنها شکسته و آنجا افتاده....

دکتر مصدق - شکسته بود که خریدند.

وزیر فواید عامه - حالا شکسته بود یا نه. بنده اطلاع ندارم - علی ای حال کامیون کار راه آهن را نمیکند اما آمدیم بر سر این راه آهن که ما میخواهیم بسازیم لایحه این را در دو سه سال قبل دولت وقت به مجلس پیشنهاد کرد و مجلس هم رأی داده حالا اگر آقایان در آن رأی عجله کرده اند بنده نمیدانم و برای خرجش هم لایحه به مجلس آوردیم و آقایان رأی دادند. عجلتاً بازده نفر مهندس آمریکائی و سی چهل نفر مهندس بین المللی که بیست نفر آنها ایرانی هستند و هفت هشت نفر مختلف اینها در شش نقطه مملکت مشغول کار و مطالعه هستند بین استرآباد و شاهرود کار میکنند. بین طهران و شاهرود کار میکنند. در دره های بین دزفول و خرم آباد کار میکنند. در کنار رود کارون کار میکنند يك دسته شان هم کنار خور موسی و خلیج مشغول مطالعه هستند برای اینکه بهترین بندر را انتخاب کنند و به بینند کجا مناسب تر است. و يك دسته در خلیج میان کاله کار میکنند برای اینکه عمق آنجا را تشخیص بدهند و به بینند کجا برای فرود آمدن بار مناسب است. شاید پنج شش ماه بلکه هفت هشت ماه دیگر ما محتاج شدیم باینکه بار بیاوریم و باید معلوم شود که این بار از این طرف با از آن طرف از هر طرف بیاید باید پیاده شود و باید يك محل مناسبی برای پیاده شدن بارها موجود باشد. غرض این است که الان ما شش دسته مهندس داریم که در نقاط مختلف کار میکنند و يك وجوهائی هم مجلس تصویب کرد که

باین مهندسیان داده شود. چون مجلس تصویب کرده که در این دو ساله حقوق مستخدمین باید از این محل پرداخت شود از این جهت مالیه هم به مژ لفظ قانون مصوبه خواسته عمل بکنند و حقوق دو ساله این مهندسیان را از این دوست و پنجاه هزار تومان کنار گذاشته یعنی دلار خریده که به دلار بانها حقوق بدهد برای اینکه برای مالیه با صرفه تر است ما اینطور قانون را تفسیر کردیم که حق نداریم با این پول خرج دیگری بکنیم و مجلس این خرج را برای مهندسیان تصویب کرده و فعلاً این شش دسته هم دارند کار میکنند. حقوق مستخدمین امریکائی پیش بینی شده که باید ماه بماه بآنها برسد. ولی برای سایر مستخدمین و اعضاء و اجزاء حقوقی پیش بینی نشده و الان ما باید يك مقداری ابزار کار بخریم از قبیل کلنگ بیل مته اسباب سنگ شکستن و از این قبیل اسبابها باید بخریم و در این نقاط باید تلفون و تلگراف دایر کرد و هزار چیز دیگر میخواهد که لازمه اینکار است. و لایحه اش هم هست که علیحده تقدیم میشود غرض این است که ما باید مقداری اسباب تهیه کنیم و وسائل تسطیحات را که بقول خودشان تراسمان میگویند فراهم کنیم. از بین اهواز تا دزفول مشکل نیست ولی وقتی که وارد میشود بین یکی از دو دره با طرف کشکان یا طرف آب دز آنجا کار قدری مشکل میشود و اسبابهای خیلی سنگین میخواهد برای شکستن کوهها. و در رفتن از آن دره ها. اخیراً مجلس در جزو تصویب شروع ساختن راه آهن همچو تصویب فرمودند که مخارج ساختن راه آهن را اول سال بیاورند و بتصویب مجلس برسانند. امسال چون ما ناچاریم اعلان مناقصه بدهیم و ممکن است شش ماه طول بکشد تا اسبابها برسد و تقریباً امسال تمام خواهد شد باید يك اعتباری داشته باشیم از برای بیعانه دادن بان مناقصه هائی که بالاخره جواب خواهد رسید و بالاخره یکی از آنها اختیار خواهد شد بنا بر این تخمین شده که پنج میلیون

شور و شیرینی بمجلس پیشکش کنیم. یعنی پیشنهاد کنیم بمجلس و آن لایحه نماند بود. که مرحوم صنیع الدوله هم میخواست آنرا تعقیب کند. و این محل را بگذاریم برای کارخانه قند سازی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود برای شور در مواد آقا بانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد این لایحه بکشوری بنظر میآید

اگر مخالفتی هست بفرمائید

عده از نمایندگان - مخالفتی نیست

رئیس - ماده اول قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی برای اجرای قانون مصوب ۱۳۰۵ اسفند ۱۳۰۵ راجع براه آهن در سنه ۱۳۰۶ تا حدود پنج میلیون تومان بدولت اعتبار میدهد مخارج لازم برای ساختن راه آهن از قبیل خرید ادوات - حقوق متخصصین - مزد کارگر تحت نظارت و نظارت رئیس کل مالیه بعمل خواهد آمد - دولت مجازات است که اعتبار مخارج مصوبه برای یکسال را در سالهای دیگر مصرف و یاد در حدود آن تعهداتی برای سالهای دیگر بنماید

تبصره ۱ - مستخدمین اداری راه آهن از بین مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب و متخصصین فنی بر طبق قوانین موضوعه کتبرات خواهند شد

تبصره ۲ - بودجه اداری راه آهن بایستی با رعایت قوانین موضوعه و صرفه جوئی کامل همه ساله در ضمن بودجه فواید عامه بجزء نهیه و پس از تصویب مجلس شورای ملی از محل اعتبار راه آهن پرداخته شود.

تبصره ۳ - دولت مکلف است ششاه به ششاه صورت مخارج مقدماتی و ساختمان راه آهن را برای اطلاع نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده نسبت به تبصره اول عرایضی دارم

رئیس - بفرمائید.

عمادی - عرایض بنده این است که یکی از مشکلات مهمه مملکتی این است که عده زیادی از محصلین که تحصیل کرده اند و حاضر برای خدمت هستند بواسطه فقدان وسائل اعاشه سرگردان هستند و اینها را قانون استخدام از خدمت به ادارات دولتی ممنوع داشته. و حالا در مسئله راه آهن که یکی از امورات مبتکره مملکتی است خوب است نسبت باین محصلین رعایتی شود. يك پیشنهادی هم عرض کرده و حضور مبارک تقدیم میکنم مبنی بر اینکه مستخدمین و اعضاء اداره راه آهن تنها منحصر به منتظرین خدمت و اعضاء رسمی دولت نباشند بلکه هر کس که مقتضی این کار است و متخصص فنی است بتوانند بعنوان کتبرات او را وارد کنند تا لا اقل يك افافه نسبت بمردم شده باشد که این بیچاره هائی که سرگردان هستند و اسباب اختلال و اغتشاش و بی نظمی میشوند راحت شوند و این مسئله هم مرتفع شود و بر طبق همین نظریه پیشنهادی تقدیم کرده ام.

مخبر - قسمت اخیر پیشنهاد آقا در تبصره خود ماده نامین شده است که میگوید: متخصصین مطابق قانون استخدام کتبرات خواهند شد. ولی در آن قسمت اول فرمایشاتشان اگر قدری دقت بفرمایند ملاحظه میشود که اگر ما بخواهیم این راه را باز بگذاریم خیلی خطرناک میشود. برای اینکه ماعجالاً عده زیادی منتظرین خدمت داریم. و يك اشخاص لایقی در وزارت خانهها داریم که با همان حقوق می توانند در این اداره کار کنند. و اگر بنا شود ما اجازه بدهیم که برای راه آهن از خارج مستخدم استخدام کنند با اینکه در سال صد و پنجاه هزار تومان اعتبار برای منتظرین خدمت تصویب کرده ایم. نه تنها این پول را باید به منتظرین خدمت بدهیم و از این

راه ضرری متوجه ما خواهد شد بلکه همین تناسب هم در بودجه مملکتی بضرر خواهد خورد. این است که مخصوصاً کمیسرین سعی کرد که حق المقدور دولت را محدود کند که از استخدام اشخاص خارج جلو گیری شود و مستخدمین از بین همین منتظرین خدمت یعنی اشخاصی که بانها حالا پول میدهیم انتخاب شوند. ولی متخصصین فنی اساساً موضوع دیگری است. آنها باید مطابق قوانین موضوعه کتبرات شوند و نامیدن که لازم است باید از معاملات آنها استفاده شود ولی مقصود عضو اداری و مبرز نشین یعنی کسانی که در دفتر بعنوان ثبات و ضباط و منشی گری متصدی شغل هستند. اینها اگر از بین منتظرین خدمت ادارات انتخاب بشوند اصلاح خواهد بود.

عمادی - اجازه بفرمائید توضیح بدهم.

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نمیخواهم وارد قضیه شوم ولی عرض میکنم بیاناتی را که آقای وزیر فواید عامه در جواب اظهارات آقای دکتر مصدق فرمودند مغالطه بود. برای اینکه آقای دکتر مصدق نظرشان این بود که فرمودند ما باید فکری بحال فعلی مملکت بکنیم. و نظری بوضعیت کنونی بیندازیم. که از هر سو فقر بر ما احاطه کرده است از این جهت حالا عقیده براه آهن نداشتند ولی پس از آنکه در مملکت يك جنبشی پیدا شد و کارخانه ایجاد گردید. و معاندان استخراج شد آنوقت البته راه آهن هم لازم خواهد بود حالا بنده نمی خواهم کار خانه قند سازی را عرض کنم. میگویم همین نفط سمنان را استخراج کنید. یا فلان نقطه دیگر را استخراج کنید.

آنچه که بنده فهمیدم نظرشان این بود. ولی اینکه فرمودند دولت روسیه راه آهنش را از کجا تا کجا کشیده باید بدانیم که بین ما و روسیه از زمین تا آسمان فرق است ما کجا روسیه کجا؟ ما يك ملتی هستیم که از هرجهت

فرمودند البته صحیح است ولی این در صورتی است که این پول صحیحاً کنترل و اقتیش شود و مخصوصاً در صورتی است که این پول بجا خرج شود. و الا بصرف گفتن اینکه تو اطمینان پیدا کن ولو اینکه مخبر صادق هم باشد بنده اطمینان پیدا نخواهم کرد این ابرهای سیاهی که روز بروز در مالیه ما پیدا میشود و اشکال تراشی هائی که میشود و بنده می بینم که در تحت عبارات دیپلوماسی يك ترتيباتی واقع میشود تمام این ها اسباب عدم اطمینان من است و با این ابرهای سیاهی که افق مالیه ما را سیاه و تاریک کرده بنده مخالفم و هیچوقت بنده باین لواج رأی نخواهم داد.

معاون وزارت فوائد عامه - اظهارات نماینده محترم در اصل قضیه نبود تا بنده جواب مفصل تری عرض کنم در اطراف راه آهن يك قسمت فرمایشاتی فرمودند که بیشتر جنبه ادبی داشت. اما در مسئله راه آهن که دولت و تمام نمایندگان محترم بآن علاقه مند هستند لازم است عرض کنم که يك منافع آتی ندارد. و اگر کسی خیال بکند که وقتی راه آهن کشیده شد در آخر سال صد هشت یا صد دوازده عایدات بر میدارد خیر همچو چیز هائی نیست در سایر ممالک هم همچو ترتیبی نبوده است. این مسئله مسلم است و حالا ما نباید در اطراف این قضیه زیاد بحث کنیم پس راه آهن در سال اول فائده ندارد. ساطعی بعد را هم چه عرض کنم. از این مرحله که گذشتیم میآئیم بقسمت وجهه های استجسائی و اینکه این وجه را چه شکل باید خرج کرد و مصرفش باید درست باشد. البته نقطه نظر آقا این بود که این پول در محل خودش خرج شود. و اگر وقتی لازم است بشود. و این البته بوسیله جلسات متعدده و با تهیه مواد و پیشنهادات مختلفه صورت میگیرد و اسباب اطمینان میشود.

اما شرحی را که راجع بمالیه فرمودند که چه وظیفه بنده نیست که جواب بدهم و شاید آقابان وزراء جواب

محدود و مضیقیم. ما باید بقدر کلیم خودمان پیمان را دراز کنیم. اما اساساً علت اینکه بنده با این لایحه مخالفم این است که: يك صفات نفسانی که در اختیار آدم است و يك صفات نفسانی هم هست که با اختیار شخصی نیست. مثلاً اطمینان يك امر قلبی است. و يك چیزی است که آقای شیروانی نمیتوانند با بیانات و اظهارات خودشان بمن اطمینان که مثلاً بدولت اطمینان پیدا کنم بنده بکلی از چندی باین طرف نسبت بلواج دولت سلب اعتماد شده - حالا اگر دنیا جمع شود نمی تواند کاری بکند که بنده نسبت بدولت اطمینان پیدا کنم. و نسبت بلواج مالی و کمترت و کنترلی که در وزارت مالیه میشود بنده اطمینانم سلب شده. شما میفرمائید راه آهن بنده عرض میکنم با اینکه خیلی فناتیک هستم اگر بفرمائید این پول صرف مسجد هم میشود باز بنده عقیده و قبول ندارم. من اعتماد ندارم - من یک نفر نماینده هستم و در دخل و خرج مملکتی حق نظارت دارم و بنده با چیز هائیکه مطلع هستم باین ترتیبات اعتماد ندارم - آنوقت چگونه بنده میتوانم بیایم ورأی بدهم ورقه سفید بدهم برای پنج میلیون که از مالیه مملکت بردارند و خرج کنند بنده ناوقتی که اطمینان پیدا نکنم که کاملاً در تحت نظارت و مراقبت من خواهد بود نمی توانم اعتماد و اطمینان پیدا کنم. بنده روز بروز می بینم از وزارت مالیه يك ابرهای سیاهی بلند میشود و این ابرها آئینه ما را سیاه میکند و تمام آنچه را که رشته بودیم پنبه خواهد کرد. آقای شیروانی هم فرضاً بقیه باره کنند و آقای یسائی هم با ایشان کمک کنند معذک بنده اطمینان پیدا نخواهم کرد. با این زحماتی که در این پنج شش سال ما کشیده ایم هنوز يك اطمینانی برای بنده و رفقای بنده و اکثریت مجلس حاصل نشده است آنوقت چطور می توانم رأی بدهم که پنج ملیون از اعتبار انحصار قند که آخرین رقم هستی ملت است و در خزانه ما جمع شده است بردارند و خرج کنند بیاناتی را که آقای جاج مخبر السلطنه راجع براه آهن و فوائد آن

بفرمایند ولی بنده گمان نمیکنم این تزلزل که آقای آقا سید یعقوب دارند اساساً وجود داشته باشد. خیر همچو نیست. این پولی که گرفته می شود اولاً از طرف خود مالیه نظارت کامل می شود و در آن ماده هم قید شده. در قسمت اسباب و ابزار از طرف مهندسی که انتخاب شده اند تشخیص داده میشود و البته خوب هم تشخیص داده میشود و نماینده های مالیه هم کاملاً در این مسائل دقت میفرمایند. و این مسئله البته باید کاملاً وسائل رضایت خاطر ایشان را فراهم بکنند و این مذاکرات راجع بابرهای سیاه و ابرهای سفیده هم که فرمودند گمان نمیکنم اصلاً در این موضوع وارد باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

عراقی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

عراقی - این ماده اول طوری تنظیم شده است که بنده راجع به بعضی از قسمت هایش مجبورم مذاکره بکنم و اگر مذاکرات کافی باشد بنده يك تصرفات عبارتی بنظرم رسیده که باید عرض کنم و وزیر فوائد عامه یا معاون محترمشان یا مخبر محترم جواب بنده را بدهند شاید اسباب اطمینان بنده بشود بعد البته ممکن است با کفایت مذاکرات موافقت کنم.

رئیس رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات.

آقابانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای فهیمی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره اول ماده اول را به ترتیب ذیل پیشنهاد

می نمائیم:

تبصره اول - مستخدمین اداری راه آهن از بین

مستخدمین رسمی دولت اعم از متصدیان شغل بامنتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب میشوند و راجع بمشاغل فنی

هرگاه مابین مستخدمین رسمی اشخاصی یافت شوند که از عهده خدمات انجام مشاغل مزبور برآیند ممکن است مطابق قوانین موضوعه کمترت شوند

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - این دو قسمتی را که بنده پیشنهاد کرده ام بانظر کمیسیون هم مخالفتی ندارد ولی عبارتش بهتر است. یکی اینکه در قسمت اول نوشته اند: «در بین مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت» مفهومش این است که منتظرین خدمت جزء مستخدمین رسمی نیستند در صورتیکه کلیه مستخدمین که مشمول قانون استخدام میشوند مستخدم رسمی دولت محسوبند نهایت بعضی از مستخدمین منتظر خدمت هستند و بعضی دیگر متصدی شغل. این است که بنده پیشنهاد کردم مستخدمین رسمی دولت اعم از منتظرین خدمت بامتصدی شغل.

در قسمت فنی هم که نوشته شده است مستخدمین فنی مطابق ترتیب قوانین موضوعه کمترت خواهند شد. ما دیدیم که مورد سوء استفاده واقع شد باین معنی که در تحت عنوان (فنی) تمام مشاغل را عنوان فنی قرار میدهند. مثلاً رئیس مالیه اردبیل که چهارده هزار تومان برداشت و فرار کرد آهم در جزو متخصیصین فنی محسوب شد. در صورتیکه بنده هر چه تحقیق کردم تخصصی در این کار نبود. (خنده نمایندگان) از این جهت بنده عرض میکنم که مابین مستخدمین رسمی اگر اشخاصی پیدا شوند که واقعا در مشاغل فنی متخصیص باشند مثلاً مابین مستخدمین يك مهندس یا يك طبیب عالی مقام باشد چه ضرر دارد که خود این شخص را بر این کار بگمارند و دیگری را برای این کار نیارند و تا حدی که ممکن است اشخاصی را از بین مستخدمین دولت بیارند و استخدام کنند اگر نشد آنوقت از خارج بیارند. گرچه مسئله اداره راه آهن بقدری وسیع است که اینها کافی نخواهند بود و امیدواریم انشاء الله در مملکت ما بیکار خیلی کم شود منتهمی اول باید اینها را که

بدهد پس ما نباید این قید را بکنیم. مادر بودجه تلگراف بی سیم امتحان کردیم و دیدیم يك اشخاصی و مستخدمینی هستند که باماهی بیست و پنج تومان و سی تومان استخدام شده اند. حالا ما بیائیم و قید کنیم که در تلگراف بی سیم حتماً باید از بین منتظرین خدمت پذیرفته شوند شاید آنها باماهی چهل تومان قبول نکنند و مطابق رتبه خودشان حقوق بخواهند و این غلط و اسباب ضرر است که در صورتیکه ما می توانیم باماهی سی و پنج تومان کسی را کثرت کنیم آنوقت يك حقوق زیادتری بدهیم و از این جهت بنده مخالفم.

مخبر - نظر بنده در قبول این پیشنهاد این مسأله بود که آقای یاسائی بنا کردند متخصص فنی راه آهن مهندسی است و گمان نمیکنم هیچ متخصص فنی دیگری برای این کار لازم باشد.

متخصصین فنی راه آهن همان مهندس راه و متخصص مکانیک و بالاخره متخصص راجع بفنون مختلفه مکانیکی و مهندسی است و غیر از این دیگر متخصص لازم ندارد. در اینصورت اگر اتفاقاً در بین وزارت خانهای مادونا، چهارتا مهندس پیدا شد ما گفتیم او را بر دیگران ترجیح بدهند و از خارج کثرت نکنند. این يك چیز بدیهی است. مثلاً ما در ضرابخانه يك مهندس داریم که قطعاً اداره راه آهن خیلی از وجود او استفاده خواهد برد و اگر بخواهند يك مهندسی که معلوماتش با معلومات این شخص مساوی باشد از خارج کثرت کنند شاید باماهی هفتصد هشتصد تومان هم حاضر با استخدام نباشد. در صورتیکه این شخص ممکن است با همین حقوق اداری که الان در ضرابخانه دارد با اداره راه منتقل شود و این جا خدمت کند در هر حال نظر بنده این است که اگر مهندسی در بین وزارت خانها باشند اینها برای استخدام در اداره راه آهن حق اولویت دارند و البته مقصود ما چیز دیگری نبوده و نیست.

رئیس - تکلیف این تبصره در موقع رأی معلوم میشود. بالفعل چون پیشنهادهای زیادی شده و مقداری هم از ظهر گذشته و بعضی آقایان هم تشریف برده اند جلسه را ختم میکنیم. جلسه آتی روز پنجشنبه چهار ساعت قبل ظهر (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

فعالان دولت هستند بیاورند سرکار و بعد از خارج استخدام کنند تا هر دو نظر نامین و هر دو قسمت انجام شده باشد شپروانی - (مخبر که بیسیون بودجه) - گرچه در تبصره پیشنهادی که بیسیون نظریه ایشان نامین شده ولی برای اینکه مسجل تر شده باشد بنده این پیشنهاد را قبول میکنم:

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - با اینکه آقای مخبر این پیشنهاد را قبول فرمودند ولی بنده بيك جهتی مخالفم و آن این است که ممکن است در بین منتظرین خدمت يك اشخاصی داشته باشیم که از عهده انجام مشاغل فنی فرضاً بر بیابند ولی برای دولت ضرر داشته باشد که او را بیاورد. مثلاً ممکن است بيك مدیر کلی را بیاورد برای این کار بيك متخصص فنی را که ممکن است با چهل تومان کثرتش کرد بکنند. پیشنهاد آقای فهیمی مجبور میکنند دولت را که این مدیر کل را بیاورد. مفاد این پیشنهاد این است و این بيك ضرری خواهد داشت برای دولت باین معنی که اگر بيك کسی پیدا شد که حاضر بود بيك کار تخصصی را باماهی مثلاً سی تومان انجام دهد و مشمول قانون استخدام هم نبود بجای اینکه دولت او را استخدام کند مجبور خواهد بود که از بین منتظرین خدمت بيك اشخاص رسمی که دارای مشاغل و رتبه های عالی هستند بیاورد و بانها حقوق زیاد بدهد. دلیل ندارد که ما این کار را بکنیم زیرا صرفه ندارد و از این جهت بنده با این قسمت مخالفم و گمان میکنم همان تبصره را که بیسیون را در نظر گرفته کافی و بهتر است ما نباید این قدرها باریک بین باشیم. بيك جوانهایی از مدارس بیرون میآیند و بيك معلوماتی دارند و ما از آنها باید استفاده کنیم البته همان طوری که گفته شد بيك عده منتظرین خدمتی داریم که باید در این موقع کار بانها داده شود و اینها مقدم بر اشخاص خارج باشند ولی بطور کلی نباید گفته شود که مثلاً رئیس اداره که رتبه هشت را دارد با معاون اداره که رتبه هفت را دارد آنها را دولت بگمارد برای کارهای سی و پنج تومانی و مبلغ زیادی حقوق